

علی محمد چهارمحالی<sup>۱</sup>

## زندگی و آثار استاد حاج محمدتقی معمارشوستری

معماران گمنام

### مقدمه

بسیاری از آثار و بناهای تاریخی را با نام معماران آن بناها می‌شناسند، اما چه بسیار بناهای ارزشمند نیز هستند که نامی از سازندگان و معماران آنها وجود ندارد. شهر شوشتر، که دارای آثار تاریخی فراوانی است، از دیرباز معماران و استادانی را پرورش داده که آثار به‌جامانده از آنها گواه شخصیت فنی، هنری و معنوی آنهاست. برخی از این استادکاران شناخته‌شده‌اند، همچون استاد معیم بنا که نامش در کتیبه مسجد عبدالله بانو به تاریخ ساخت ۱۱۱۲ق می‌درخشد. از این میان، استادانی نیز هستند که از ایشان کارهای زیادی به‌یادگار مانده است اما امروزه کمتر شناخته شده‌اند. در این مقاله، به شرح شخصیت و کارهای یکی از این معماران، مرحوم حاج محمدتقی معمارباشی، خواهیم پرداخت.

### حاج محمدتقی معمارباشی: استادی از خاندان معماران شوشتر

مرحوم استاد حاج محمدتقی معمار (معمارباشی) در سال ۱۳۱۴ق/۱۲۷۲ش در خانواده‌ای معمارزاده در شهر شوشتر دیده به جهان گشود. خانواده او نسل درنسل در پیشه معماری فعال بوده‌اند: استاد حاج محمدتقی، فرزند استاد حاج حسین، فرزند استاد حاج ابوالقاسم، فرزند استاد محمدجعفر (معروف به استاد مخمل)،



ت ۱. از چپ: حاج کاظم معمار (نشسته)، حاج حسین معمار (پدر حاج محمدتقی)، استاد حاج محمدتقی معمارباشی. در این تصویر، او در کنار پدر و نیز عموزاده‌اش، مرحوم استاد حاج کاظم معمار، در یکی از خانه‌های قدیم شوشتر (ظاهرآ خانه مستوفی‌زاده) در حال اجرای آجرکاری و خون‌چینی است. مأخذ: ادیب معمارباشی.

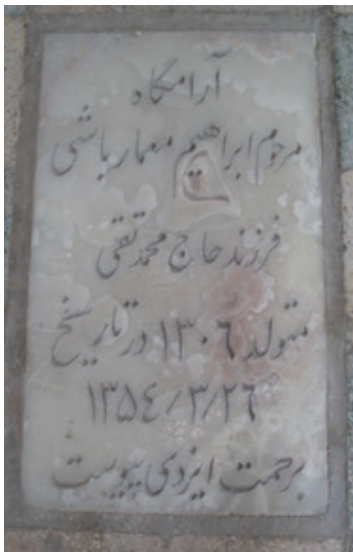
با گذر از کوچه‌پس‌کوچه‌های بافت تاریخی شهر شوشتر، با بناهایی روبه‌رو می‌شویم که بر پیشانی آنها نقوش و تزیینات متنوع بسته است و از ذوق و هنر نقش‌آفرینان آن حکایت می‌کند. پدیدآورندگان این آثار معماری هستند که هنر خود را بر سنگ و آجر به‌ظهور رسانده‌اند. بسیاری از این استادان برای نسل امروز ناشناخته مانده‌اند و بیم آن می‌رود که گذر زمان مختصر اطلاعات موجود درباره احوال و آثار آنها را به دست فراموشی و نابودی بسپارد.

استاد حاج محمدتقی معمارباشی از جمله استادانی است که بسیار از خانه‌ها، مساجد و برخی سازه‌های آبی و دیگر بناهای تاریخی شهر شوشتر را ساخته است. این مقاله می‌کوشد ابتدا به معرفی ایشان بپردازد و سپس کارها و طرح‌های ایشان را مورد بررسی قرار دهد.

ت ۲. استاد حاج  
محمدتقی معمار با لباس  
سنتی مردم شوشتر.  
مأخذ: امیرحسین  
معماریاشی.  
ت ۳. استاد حاج  
محمدتقی معمار، سال  
۱۳۳۴ق. مأخذ: ادیب  
معماریاشی.



ت ۴. حاج محمدتقی  
معمار در کنار دو تن  
از فرزندان؛ نیز تصویر  
سنگ مزار ابراهیم  
و اسماعیل فرزندان  
ایشان در گورستان  
مقام حسین. مأخذ:  
امیرحسین معماریاشی.



عموزاده‌های خود فرا گرفت. او در سی سالگی در همه فنون کار معماری به استادی کامل رسید، چنان‌که بسیاری از استادان و معماران معاصر بر توانایی و دانش او در این سن صحه نهاده‌اند. به دلیل ذوق در اجرای کار، مردم‌داری، چالاکی و سرعت عمل طولی نکشید که او به‌عنوان معمار اول شهر شناخته شد و نزد مردم جایگاهی ویژه پیدا کرد، به طوری که بیشترین کارها چه کارهایی که مربوط به حکومت بود و چه کارهای مذهبی و خانه‌های مردم شهر به ایشان واگذار می‌گردید.

فرزند استاد حاج محمدعلی معمار. از دوره کودکی و نوجوانی او اطلاع چندانی در دسترس نیست. همین قدر می‌دانیم که، با استعداد ذاتی و همچنین زمینه مناسب در خانواده، مراحل رشد و یادگیری فنون کار را از نوجوانی نزد پدرش مرحوم استاد حاج حسین معمار، آغاز کرد. حاج محمدتقی سواد خواندن و نوشتن را در مکتب‌خانه‌های قدیم شوشتر (که به آنها دیسون می‌گفتند) آموخت و با وجود استعداد های ذاتی مدارج رشد و تکامل کار خود را نزد پدر و دیگر



ت ۵. پهلوان صدف  
صمدی برادر زن حاج  
محمدتقی معمار. مأخذ:  
حاج حسین اعتبار.

استاد حاج محمدتقی معماریاشی دارای چهار پسر بود: حسن، ابراهیم، حاجی و اسماعیل. هر دو فرزند کوچک ایشان، حاجی و اسماعیل، در جوانی درگذشتند. اسماعیل در کنار معماری به نقاشی و مجسمه‌سازی علاقه‌ای فراوان داشت. از ایشان پرده‌ای نقاشی از واقعه عاشورا موجود است که حضرت علی‌اصغر<sup>ع</sup> را در آغوش حضرت سیدالشهدا<sup>ع</sup> نشان می‌دهد. این اثر در بقعه سیدمحمد بازار نگهداری می‌شود. مرحوم ابراهیم، پسر دوم، کار پدر را ادامه داد و از او نیز آثاری در شوشتر موجود است. ابراهیم در سال ۱۳۵۴ زندگی را بدرود گفت. حسن فرزند بزرگ استاد نیز مدتی به کار پدر مشغول بود و بعد از آن به کار دولتی روی آورد و در شهرداری اهواز به‌عنوان کارشناس معمار شاغل شد. حسن معماریاشی نیز در سال ۱۳۷۴ در شهر اهواز دیده از جهان فرو بست (ت ۴).

در کنار این استادان، کارگرانی باتجربه هم بودند که با نوع خورن‌ها آشنا بودند و کارشان بینابین آجرتراش و بنا بود. این افراد را آلت‌ده می‌گفتند، یعنی کسی که، با نظارت همزمان طرح و کار استاد بنا، آجرهای تراشیده را برای بنا آماده می‌ساخت. مرحوم محمدعلی یاریزیدی و فرزندش علی محمد از افراد مجرب این فن در معماری شوشتر بودند.

## اخلاق حرفه‌ای و علایق جانبی حاج

### محمدتقی معمار

استاد محمدتقی معمار در طول روز بر سرکارها برای نظارت مراجعه می‌کرد و دستور کار را به گروه کاری خود می‌داد. در بسیاری از موارد در خانه‌های علما و روحانیون یا برخی تجار خود استاد حاج محمدتقی با افتخار خود شخصاً روی چوب‌بست رفته و کار می‌کرد. در جدیت و تعهد حرفه‌ای حاج محمدتقی معمار نقل‌های فراوان هست. برای مثال، نقل است که پیش از آغاز کار مصالح را بررسی می‌کرد و اگر جنس مصالح مناسب نبود از آنها استفاده نمی‌کرد. مثلاً، وقتی از کوره‌ای بار گچ تازه می‌آوردند، ابتدا با آن گچ ملاتی می‌ساخت و با آن چند آجر را به دیوار

### «دیکار» استاد حاج محمدتقی

دیکار محل اجتماع کارگران، استادان آجرتراش و استادان بنا در ابتدای روز است در مجاورت خانه معمار قرار دارد. دیکارها معمولاً به‌صورت سکو یا صفا‌ای در کنار خانه معمار ساخته می‌شدند و مردم با مراجعه به آنجا نیاز خود را در مرحله اول از معمار و بعد از آن با هماهنگی او استادان بنا و کارگران را جهت کار فرا می‌خواندند.<sup>۲</sup>

دیکار حاج محمدتقی معماریاشی از معروف‌ترین دیکارها در زمان خود در شوشتر بود و زبده‌ترین بنایان و آجرتراشان در آن مستقر بودند. از معروف‌ترین بنایان ایشان می‌توان این افراد را نام برد: استاد حاج رحمی شاه‌علی، استاد مشهدی بخشی شاه‌علی، استاد مشهدی عبدالله کلاه‌دراز، استاد مشهدی علی توپچی، استاد مشهدی کلات، استاد ابراهیم معماریاشی پسر معمار. نیز از معروف‌ترین استادان آجرتراش که با مرحوم معماریاشی کار کرده‌اند عبارت‌اند از: استاد هادی حجاززاده معروف به آجرتراش،<sup>۳</sup> ملاحسن حجار، ملاعبدالله حجار، استاد پیکلی آجرتراش،<sup>۴</sup> استاد رضا آجرتراش، استاد اسماعیل آجرتراش، استاد علی‌شَل.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 قصیده در مدح و مناقب مولانا شیخ ابیرمضان آملی  
 ابدل جبرئیل شد موم جان و کن میبکده بد و صرب و جنگ نثار  
 با صوفی سجد ز برادر کرد نشویم از هشت و نهم بود ز نثار  
 بر خیز تا خدمت جانان قدم زینم  
 اردو بلبلان چمن الامان سوسن شده شکنت و سنبله نثار  
 نسرین ز شوق بخت جلالی کان این حسن برود بهوایی چه ناگهان  
 خوش باشد آنکه هستی خود را عدم زینم  
 ملو بزین تو دوشی شهر بر بنگه زان بعد کن توجی یکدم معیت راک  
 گویم عراق را و ندارم در هیچ باک زاهد که در سجده استیاذ هر دو تا ک  
 ما هم در دم با هم کلیسا علم زینم  
 در یاد ما میبکده رفتم مولد است بنشینم بر پیش کشیدم دوز آس  
 زدی گنت بیت تمام حلیت بیاید بهیشتی و تمام بشکوناس  
 گفتم یار هر هست نباید که غم خوریم  
 ساقی یار با ده نذر بهادریا برکن یار دهم برضایان با صفا  
 از این کشیدم از این دردی جان منی ده علانید بخوریم بر کرد رخشا  
 تا همی که گزست شیخ اعظم زینم

فرزند همیش باش دیگر است تا بکند عهد ستاربت و دیگر گشته طی  
 از هر آن تا که گزیم ناله همی در فی نعلها با ناه است زحمیدیم ترک  
 اوضاع دینگی تا نام زینم  
 ممشوق بکدی تو عاشق ناسولا از هر تو شد الف تا منم جبر دال  
 روزم بر سر سگد گذر هفتاد سال نامدوی بن کرد سدم مرم رحال  
 با عشق همی شده است که خوره الو زینم  
 زنداه با ده کوزه یکجا نشنید بود و آنچه در صحبت بدست یاند  
 سباجی چنان بر زنده خسته اند اگر گوش زمانه ز غدا رسته یاند  
 در بارگاه شایسته رسیدیم منم زینم  
 دلدار چون نونی که گزنا گزنا هم بود معزاب حال که یار گزنا هم  
 در جاگری منم و نگد گزنا هم چو کلب آستاره در باد گزنا هم  
 با افتخار گردش ما می ازیم زینم  
 اطلاق کرد شد و تو نشاها سکه بره امر تو مستقر بودین صورت یکجه  
 از چهارین کنگه کردید است این صبح و صبا با رنگت بر بهر چه  
 ترس از عوام باشد از این عشق زینم

عروزالله جلوه کرد ز روی تو بود جنت که بوی خوشی هدا بود  
 چشم تا مالمیان سوی تو بود مقسود و از روی تو به ام کو تو بود  
 خط شاهدی کرد ما نری روی منم زینم  
 خورشید روشن است یو در آفتاب بد بر من جلوه کرد هدا ز هلا تو  
 مسود گشته خلق جهان از هلا تو محصور کرده کور ز کان نام لالتو  
 فرموده که بر چنان رقم زینم  
 بر عو شایر تونی بر نشی علی ختم رسد و دیوتونی بر نشی علی  
 بوالیدیا، میر تونی بر نشی علی بر او یاکبر تونی بر نشی علی  
 ما را به جوان که با یز لطنت ختم زینم  
 شادم که بار از تو ساهردو لگت مشوق فده عالم و کجا نذر است  
 فاعل بر گزنت در فایغ بر خیز است معار نامتو در هر شری سحر است  
 ناکی و قلب ناله الیاس منم زینم  
 سو دم از ندی که کنده با در صبه بر روز ناه زغیه بود و جزا صبه  
 آفتا کات اب و چرند با در صبه بیند روی خاک رخ از در صبه  
 ز این غم و روات جا شد منم زینم زینم

می گویند؛ پس از خشک شدن، خود به آن آجرها  
 آویزان می شد؛ اگر آجرها از کار رد نمی شدند، بار  
 گچ را تحویل می گرفت و استفاده می کرد؛ اگر نه، آن را  
 باز پس می فرستاد.

در خصوص رعایت حقوق صاحب کار جدید  
 فراوانی به خرج می داد و اجازه نمی داد مصالحی بیهوده  
 از بین برود. استاد از ابتدای روز کارش را آغاز می کرد و  
 تنها اندکی در ظهر برای استراحت نهار و نمازی از کار  
 وقت نمی گرفت و تا غروب آفتاب یعنی آن زمان که دیگر  
 آفتاب کاملاً غروب کرده بود دست از کار نمی کشید.

**حاج محمد تقی معمار و ورزش**

استاد حاج محمد تقی معمار به ورزش باستانی نیز علاقه  
 بسیار داشت. او بعد از کار روزانه در زورخانه بازار که در  
 مجاورت سرای افضل قرار داشت با دیگر پهلوانان شهر  
 نظیر صدیف سمندی (که برادرزن ایشان بود) و مرحوم  
 حاج اسدالله کوثری (که میاندار گود زورخانه بود) به  
 ورزش می پرداخت (ت ۵).

**حاج محمد تقی معمار و شعر**

استاد حاج محمد تقی معمار باشی در شعر نیز ذوق

فراوان داشت و در شعر «معمار» تخلص می کرد.  
 از ایشان سروده های زیادی در وصف مولا علی ابن  
 ابی طالب و حضرت سیدالشهدا و نیز غزلیاتی در  
 وصف بهار هست و دست نوشته های ایشان همچنان  
 نزد خانواده و فرزندان موجود است (ت ۶).

ترکیب بند مخمس زیر نمونه ای است از اشعار او:  
 ای دل به عیش کوش شده موسم بهار  
 رو کن به میکده به دف و ضرب و چنگ و تار  
 با صومعه و مسجد و منبر مرا چه کار  
 نه شوقم از بهشت و نه ترسم بود ز نار  
 برخیز تا به خدمت جانان قدم زینم

از صوت بلبلان چمن الامان امان  
 سوسن شده شکفته و سنبل شده خزان  
 نسرین ز شوق بسته حمایل یکی کمان  
 این حسن می رود به هوایی چه ناگهان  
 خوش باشد آنکه هستی خود را عدم زینم

مطرب بزین تو دشتی شهری به سوزناک  
 زان بعد کن توجه یکدم به صوت راک  
 گویم عراق و راک و ندارم ز هیچ باک

ت ۶. اشعار مرحوم  
 حاج محمد تقی معمار  
 به خط خود ایشان  
 در وصف امام علی ع.  
 مأخذ: امیرحسین  
 معمار باشی.

زاهد که کرد سبحة و سجاده هر دو تاک  
ما هم رویم بام کلیسا علم زنیم

در بامداد میکده رفتیم به راه راست  
بنشستم و به پیش کشیدم دو دست آس  
رندی بگفت نیست حمام مجلسی است خاص  
ببرید هیبتش تن و جانم به شکل داس  
گفت یار همزه است نباید که غم خوریم

ساقی بیار باده ندارد جهان وفا  
پر کن پیاله ده به حریفان باصفا  
از بس کشیده‌ایم از این دهر دون جفا  
می ده علانیه بخوریم به که در خفا  
تا همچو گرگ مست شبیخوان غنم زنیم

فرزند هوش باش دگر مست تا به کی  
عهد شباب رفت و دگر عمر گشته طی  
از هجر آن نگار گشتم ناله همچو نی  
نه جام مانده است نه جمشید و جم نه کی  
اوضاع دنیوی تو بیا تا قلم زنیم

معشوق یکدمی تو ز عاشق نما سؤال  
از هجر تو شده الف قامت چه دال  
روزم به سر رسد گذرد هفته، ماه و سال  
نامد دمی به من که رسد موسم وصال  
باعث همین شده ست که خود را الم زنیم

رندان باده کش همه یکجا نشسته‌اند  
بر روی اجنبی در صحبت بیسته‌اند  
سیاحی جهان بنمودند خسته‌اند  
از گردش زمانه غدار جسته‌اند  
در بارگاهشان چه رسیدیم منم زنیم

دلدار چون تویی که گرفتار گشته‌ام  
بودم بخواب حال که بیدار گشته‌ام  
در چاکری مقیم و نگهدار گشته‌ام  
چون کلب آستانه دربار گشته‌ام

با افتخار گردش باغ ازم زنیم

افلاک گردش اند ز تو شاها سکون زمین  
امر تو منتظر بود این صور در کمین  
از چهار یک ملانکه گردیده است امین  
صبح و مسا به بارگهت می نهد جبین  
ترس از عوام باشد از این بیش دم زنیم

عرش اله جلوه‌گر از روی تو بود  
جنت که بوی خوش دهد از بوی تو بود  
چشم تمام عالمیان سوی تو بود  
مقصودوار روی من از کوی تو بود  
خود شاهدهی که ما نه برای درم زنیم

خورشید روشن است بود از جمال تو  
بدر منیر جلوه‌گر دهد از هلال تو  
مسرور گشته خلق جهان از جلال تو  
محصور کرده کون و مکان هم کمال تو  
فرموده که ز بهر محبان رقم زنیم

بر مؤمنان امیر تویی مرتضی علی  
ختم رسل وزیر تویی مرتضی علی  
بر انبیا دبیر تویی مرتضی علی  
بر اولیا کبیر تویی مرتضی علی  
مارا بخوان به سایه لطفت خیم زنیم

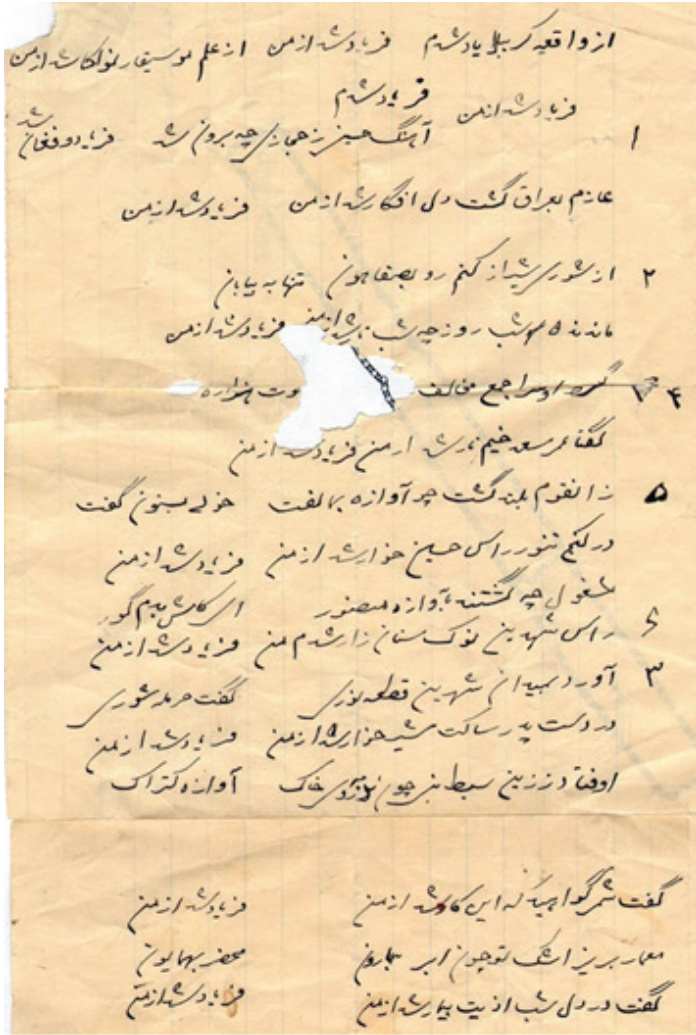
شادم که یار ارض و سما هر دو لنگر است  
معشوقه دو عالم و مولای قنبر است  
قاتل به عمر و کشته و فاتح به خیبر است  
معمار نامه تو ز مهرش منور است  
تاکی ز قلب ناله الیا صنم زنیم

سوزم از آن دمی که نبد یاور حسین  
بر سر زنان ز خیمه برون خواهر حسین  
گفتا کجاست باب و چه شد مادر حسین  
بینند روی خاک رخ انور حسین  
زین غم رواست جامه تن در بقم زنیم

## حاج محمدتقی معمار و موسیقی

استاد حاج محمدتقی در کنار شعر علاقه‌ای فراوان به موسیقی داشت. با موسیقی دستگاهی ایرانی و به‌ویژه موسیقی شوشتر آشنایی کامل داشت. ایشان در اشعارش نیز به برخی گوشه‌ها و مقام‌های موسیقی اشاره دارد که مؤید این موضوع است. برای مثال، در سوگنامه‌ای عاشورایی چنین سروده است (ت ۷):

از واقعه کربلا یاد شدم  
 فریاد شد از من  
 از علم موسیقی ز نوا کار شد از من  
 فریاد شد از من  
 آهنگ حسینی ز حجازی چه برون شد  
 فریاد و فغان شد  
 عازم به عراق گشت دل افگار شد از من  
 فریاد شد از من  
 از شوری شیراز کنم رو به صفاهان  
 تنها به بیابان  
 ماندند شب و روز چه شب تار شد از من  
 فریاد شد از من  
 گرد آسرا جمع مخالف...  
 با صوت هزاره  
 گفتا عمر سعد خیم نار شد از من  
 فریاد شد از من  
 زان قوم بلند گشت چو آوازه بی الفت  
 خولی به سنون گفت  
 در کنج تنور رأس حسین خوار شد از من  
 فریاد شد از من  
 مشغول چه گشتند به آوازه منصور  
 ای کاش بدم گور  
 رأس شهیدین نوک سنان زار شدم من  
 فریاد شد از من  
 آورد به میدان شهیدین قطعه نوری  
 گفت حرمله شوری  
 در دست پدر ساکت شیرخوار شد از من  
 فریاد شد از من  
 افتاد ز زین سبط نبی چون به روی خاک  
 آوازه کتراک<sup>۷</sup>



ت ۷. دست‌نوشته‌های  
 مرحوم حاج محمدتقی  
 معمار در سوگ حضرت  
 سیدالشهدا. مأخذ:  
 امیرحسین معمارباشی.

گفت شمر گواهد که این کار شد از من  
 فریاد شد از من  
 معمار بریز اشک تو چون ابر بهارون  
 محضر به همایون  
 گفت در دل شب اذیت بیمار شد از من  
 فریاد شد از من.

ایشان معمولاً در حین کار یا خود زمزمه می‌کرد و آوازی می‌خواند یا شخصی خوش‌صدا را دعوت می‌کرد تا با دریافت حق الزحمه برای او و کارگران آواز بخواند. به‌گفته‌ی استاد حاج حسین اعتبار (صدیف)، از شاگردان و کارگران ایشان، استاد حاج محمدتقی از شخصی به‌نام اسدالله فرزند محمدهادی، که قصاب

بود و صدای خوبی داشت، دعوت می‌کرد تا برای او و کارگران آواز بخواند و به او حق الزحمه می‌پرداخت.<sup>۷</sup>

### عمارت‌های استاد حاج محمدتقی معمار

از استاد حاج محمدتقی معماری آثار فراوانی در شهر شوشتر و دیگر شهرهای خوزستان باقی مانده است. در اینجا، به‌طور خلاصه، به معرفی شماری از این آثار می‌پردازیم:

#### اماکن مذهبی

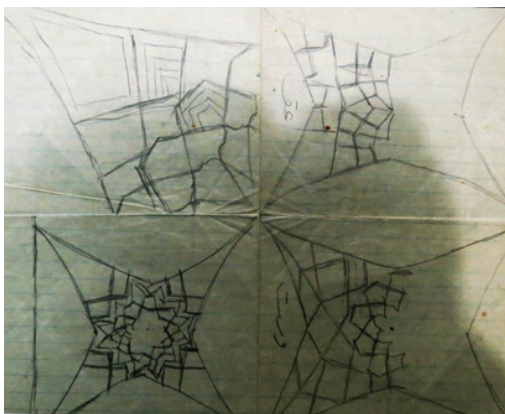
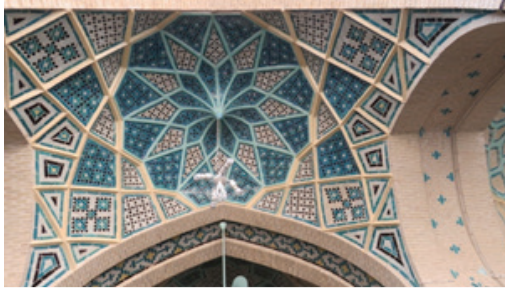
مسجد حاج شیخ جعفر شوشتری، واقع در محله میدان شیخ، از مساجد پرتزیین خوزستان است و تزیینات آن شامل آجرکاری، رسمی‌بندی و کاشی‌کاری است. این تزیینات در اواخر دوره قاجاریه توسط استاد حاج محمدتقی اجرا گردیده و پیش‌تر طرح‌های آن نیز موجود است. همچنین، نام معمار بنا با کاشی به‌صورت معقلی روی پیشانی یکی از گوشواره‌های مسجد به‌کار رفته است (ت ۸).

مورد دیگر تعمیر و مرمت مسجد جامع شوشتر در اواخر دوره قاجار و ابتدای دوره پهلوی است که، به‌سبب رانش‌های پیش‌آمده در ستون‌های مسجد، پشت‌بند‌های سنگی و آجری در داخل و پیرامون شبستان ساخته شده است. در این کار، مشهدی بخشی شاه‌علی نیز همکاری کرده است (ت ۹).

کاشی‌کاری و تعمیر گنبد بقعه‌های برابن مالک، مقام صاحب‌الزمان و سیدمحمد بازار نیز از دیگر کارهای ایشان به‌شمار می‌آید. در بقعه سیدمحمد بازار، علاوه بر گنبد، یکی از گلدسته‌ها نیز توسط ایشان و دیگر گلدسته توسط مرحوم حاج عبدالرضا معمار، عموزاده استاد، ساخته شده است. در کاشی‌کاری گنبد مقام صاحب‌الزمان، که به‌صورت دوازده‌ترکه‌ای ساخته شده، فرزندش ابراهیم معمار نیز با او همراه بوده است. این سه بقعه در دوره‌های دیگر نیز در چند نوبت به‌دست دیگر معماران مرمت و بازسازی شده‌اند (ت ۱۰).

#### قلعه سلاسل

قلعه سلاسل از قلاع قدیمی ایران و مربوط به دوره



ت ۸. تزیینات به‌کاررفته در سقف مسجد حاج شیخ جعفر شوشتری و طراحی کاغذی حاج محمدتقی معمار. مأخذ: امیرحسین معماری‌اشی.

ت ۹. پشت‌بندهای  
به‌کاررفته جهت  
جلوگیری از رانش  
ستون‌های داخلی  
مسجدجامع شوشتر.  
مأخذ: نگارنده.



ت ۱۰. بقعه برابن مالک. مأخذ: آثار و بناهای تاریخی خوزستان. ص

ت ۱۲. پل حاج‌خدایی  
واقع بر نهر تاریخی  
داریون شوشتر. مأخذ:  
آرشیو اداره میراث  
فرهنگی، صنایع دستی و  
گردشگری شوشتر.

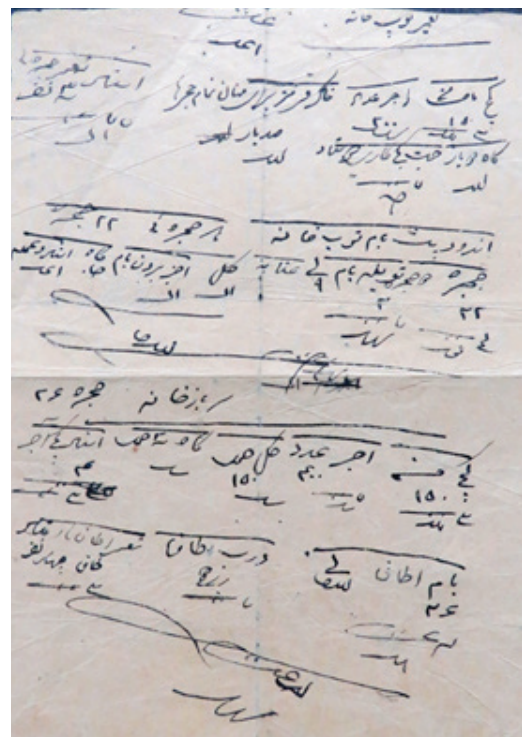


ت ۱۳. نمایی از  
خروجی تونل آبرسان  
سه‌کوره در محوطه  
آسیاب‌ها و آبشارهای  
شوشتر. مأخذ: نگارنده.

مرمت‌های این قلعه در دوره قاجار کار استاد محمدتقی است که در آن بخش‌هایی از قلعه شامل سربازخانه، توپخانه و برخی اتاق‌ها و حجره‌های قلعه تعمیر شده و شرح برآورد مصالح آن موجود به خط سیاق موجود است و این سند نزد خانواده ایشان نگهداری می‌شود (ت ۱۱).

### سازه‌های آبی

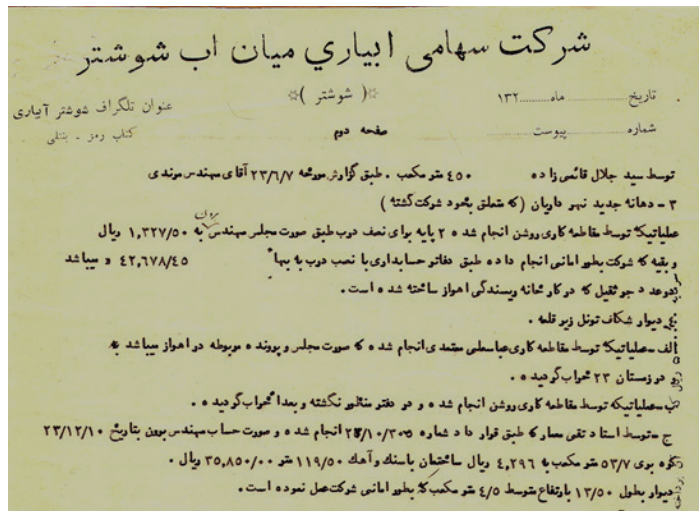
پل تاریخی حاج‌خدایی با نظارت و دستور کار استاد حاج محمدتقی و کار مرحوم استاد حاج‌رحمی شاه‌علی



ت ۱۱. صورت مصالح به‌کاررفته در قلعه سلاسل. مأخذ: امیرحسین معمارباشی.

ساسانی است که در دوران مختلف، از جمله دوره قاجار، چندین بار مورد مرمت قرار گرفته است. یکی از





ت ۱۴. سندی مربوط  
به فعالیت شرکت آبیاری  
میان آب شوشتر. مأخذ:  
عباس نژادفتحی.

ساخته شده است. این پل روی نهر تاریخی داریون قرار دارد که جهت دسترسی مردم شهر به زمین‌های کشاورزی و باغ‌های مجاور نهر با هزینه مرحوم حاج حسین حاج‌خدایی در سال ۱۳۰۳ ش ساخته شده است (ت ۱۲).

همچنین بخش آجری تاق تونل آبرسان سه کوره در محوطه آسیاب‌ها و آبشارها را نیز ایشان اجرا کرده است. به‌علاوه، ساخت بسیاری از آسیاب‌ها و تعمیر و مرمت آنها توسط این استاد انجام گردیده است (ت ۱۳).  
در سال ۱۳۲۳، بندی در مجاورت نهر داریون جهت کنترل ورود سیلاب به داخل نهر ساخته شد که با توجه به اسناد موجود توسط این معمار انجام گردیده است (ت ۱۴).

### خانه‌ها

بسیاری از خانه‌های تاریخی شهر شوشتر یادگار این استاد فقیدند. در اینجا، به‌اختصار به معرفی چند مورد از کارهای ایشان می‌پردازیم.

### خانه مستوفی

این خانه در محله کندال قرار دارد و مالک آن مرحوم حاج میرزا آقا مستوفی بوده است. در آن تزئینات فراوانی از نقوش خورن به‌کار رفته است.

### خانه دورقی

خانه دورقی در محله «بی‌بی‌دوخواهران» قرار دارد. در ساخت این خانه، تزئینات مختلف آجری، سنگی و چوبی به‌کار رفته است.

### خانه حاج عبدالرسول رحیمی

خانه رحیمی در محله سادات قرار دارد و تاریخ ساخت آن با توجه به کتیبه سنگی موجود در پیشانی ورودی مربوط به سال ۱۳۳۵ ق است. در این خانه، در تمامی قسمت‌ها از تزئینات خون‌چینی استفاده شده است.

### خانه سیدشکرالله خان کلانتر

خانه تاریخی کلانتر مربوط به سیدشکرالله خان کلانتر است که در دوره قاجاریه در محله دلدل ساخته شده است. این خانه از چهار طبقه شوادون، شبستان، همکف و طبقه اول ساخته شده و در آن رسمی‌بندی‌ها و انواع تزئینات آجری و سنگی به‌کار رفته است. بخش‌هایی از این خانه به‌دست حاج محمدتقی معمار کار شده است.

### خانه کجیاف

خانه کجیاف در محله سادات و در مجاورت خانه رحیمی قرار دارد. سردر ورودی این خانه آجرکاری شده و مزین به‌نام مبارک امام علی<sup>ع</sup> است.

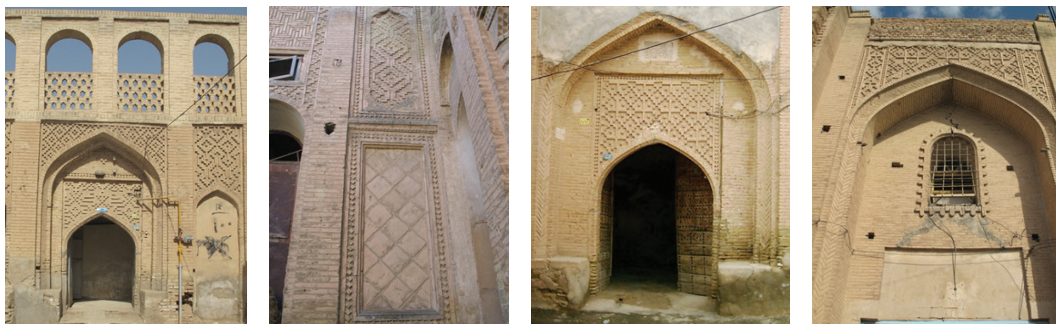
### خانه حاج‌رضا صمندی

این خانه در محله بی‌بی‌دوخواهران قرار دارد و در تزئینات آن از طرح‌های مختلف خورن‌چینی استفاده شده است (ت ۱۵).

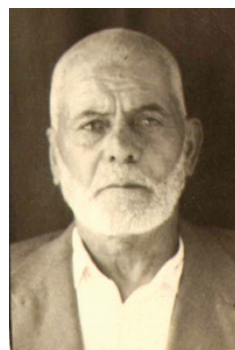
### سخن پایانی

استاد حاج محمدتقی معمارباشی، بعد از سال‌ها کوشش و فعالیت، در ۱۳ خرداد ماه ۱۳۴۲ (یک سال بعد از فوت فرزندش استاد اسماعیل) در هفتادسالگی روی در نقاب خاک کشید و در آرامستان مقام حسین شوشتر در کنار فرزندانش به‌خاک سپرده شد (ت ۱۶).  
علاوه بر آثار معماری، طراحی‌های ایشان برای خورن‌چینی و کاشی‌کاری و نیز ابزار کار آجرتراشی،

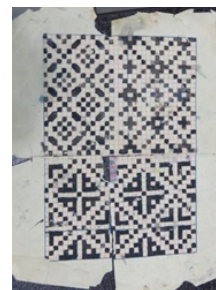
ت ۱۵. نماهایی از خانه‌های صمندی، رحیمی، دورقی و کجیاف. مأخذ: نگارنده.



ت ۱۷. طراحی‌ها و ابزار کار به‌جامانده از استاد حاج محمدتقی معمار. مأخذ: امیرحسین و ادیب معمارباشی.



ت ۱۶. تصویری از استاد حاج محمدتقی در اواخر عمر و سنگ مزار ایشان در بقعه مقام حسین. مأخذ: امیرحسین معمارباشی.



## کتابنامه

- اقتداری، احمد. آثار و بناهای تاریخی خوزستان. تهران: مؤسسه فرهنگی نشر اشاره، ۱۳۷۵.
- چهارمحالی، علی محمد. «طرح مرمت و احیای منزل مرعشی»، پایان نامه کارشناسی مرمت و احیای بافتها و بناهای تاریخی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۴.
- گريشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
- نیرومند، محمدباقر. واژه نامه ای از گویش شوشتری. تهران: فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۵۵.

کاردهای مخصوص گچبری، مشته‌های چوبی با نقوش پرندگان و گیاهان، انواع ماله و پرگارهای مخصوص آجرتراشی در کنار چندین طومار سوزنی جهت ساخت پنجره‌های گچی و تعدادی مهر باقی مانده است که نزد خانواده ایشان نگهداری می‌شود (ت ۱۷).

در پایان، از همراهی و یاری آقایان مهندس امیرحسین معمارباشی و فرزند گرامی ایشان مهندس علیرضا معمارباشی و همچنین همکاری‌های استاد ارجمند ادیب معمارباشی و دیگر همراهان در این کار صمیمانه قدردانی و سپاسگذاری می‌کنم. خداوند آن مرحوم را غریق رحمت خویش فرماید و به بازماندگان آن استاد سلامت عنایت کند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. کارشناس حفاظت و مرمت؛ رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان شوشتر.  
alim4mahali@yahoo.com
۲. محمدباقر نیرومند دیکار را چنین تعریف کرده است: «محل اجتماع عمله و کارگران بتابی برای گرفتن کار از معمار محل» (نیرومند، واژه‌نامه‌ای از گویش شوشتری، ۲۱۱).
۳. ایشان از معروف‌ترین استادان آجرتراش بود که، علاوه بر آجرتراشی، سنگ‌تراشی و حجاری را با استادی تمام انجام می‌داد. از کارهای وی تزئینات آجر بقعه سیدمحمدشاه و بسیاری از آجرکاری‌های خانه‌های شوشتر است.
۴. وی داماد استاد مشهدی بخشی شاه‌علی بود.
۵. از مقام‌های موسیقی شوشتر در دستگاه ماهور.
۶. از مقام‌های موسیقی شوشتر در دستگاه ماهور.
۷. باید گفت حضور موسیقی در دیگر پیشه‌ها نیز دارای سابقه است و از جمله در موسیقی شوشتر نام برخی گوشه‌ها شاهدی است بر این موضوع، مانند دشتی گلوکشون (گلاب‌کشان) یا بیداد برزگری.